



REVIEW ARTICLE

Citizens' Right to Pursuit of Happiness, Study the Requirements & Patterns of Policy

Mohammad Lori Nejad¹, Pooneh Tabibzadeh^{2*}

1- Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Law, Islamic Azad University Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran

2- Assistant Prof, Department of Public Law, Faculty of Law, Islamic Azad University Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran

*Corresponding Author's Email: P_tabibzadeh@yahoo.com



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.87954>

Received: 30 August 2021
Accepted: 21 February 2022

ABSTRACT

The pursuit of happiness has attracted the attention of thinkers & policymakers in recent decades; Because the realization or non-realization of happiness will have various direct effects on people in society. Attention to empirical evidence & statistics of international measures indicates the need for policy in the field of happiness in Iran. the question of the article is what is the policy model suitable for promoting happiness in Iran? To this end, this descriptive analytical research is to analyze the possibility of policy-making on the right to seek happiness & the policy requirements in this area (derived from the policy approaches of successful countries). As a result, the pursuit of happiness is increasingly a useful way to guide & evaluate the effectiveness of public policies, & hence the need to pay attention to the pursuit of happiness by policymakers in the social, economic & environmental contexts. in line with, the logic of public interest & national interests, it seems necessary

Keywords: Public policy, Human & citizenship rights, The right to the pursuit Happiness, Nordic Countries, Comparative Study.





مقاله مروری

حق شهروندان در جستجوی خوشبختی؛ مطالعه بایسته‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری

محمد لری نژاد^۱، پونه طیب زاده^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

۲- استادیار حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

*رایانامه نویسنده مسئول: P_tabibzadeh@yahoo.com



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.87954>

تاریخ دریافت: ۸ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

جستجوی خوشبختی در چند دهه اخیر توجه متفکران، دولتمردان و سیاستگذاران را به خود جلب نموده است؛ از آن‌روی که تحقق و یا عدم تحقق خوشبختی، آثار گوناگون مستقیمی بر افراد جامعه خواهد داشت. هدف و مسئله این پژوهش، تحلیل امکان سیاست‌گذاری حق جستجوی خوشبختی و بایسته‌های سیاست‌گذاری در این حوزه است. نتیجه آنکه، جستجوی خوشبختی به طور فزاینده روشی مفید برای هدایت و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های عمومی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری عمومی، حقوق بشر و شهروندی، حق جستجوی خوشبختی، کشورهای نوردیک، مطالعه تطبیقی.

مقدمه

امروزه با وجود پیشرفت و توسعه جوامع شاهد بروز و گسترش عوامل تنش‌زا و کاهش توان مقابله انسان‌ها در برابر آنها هستیم (See: Ghatrei, 2006) و استرس به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر تبدیل شده است. در دو سال اخیر نیز همه‌گیری کووید-۱۹ در سراسر جهان، زندگی‌ها را تحت تأثیر قرار داده، قربانی گرفته و موجب تغییر شکل زندگی افراد و نگرانی مضاعفی برای مردم شده است؛ تا جایی که بعضی از صاحب‌نظران، عصر ما را «عصر استرس» نامیده‌اند (Khadayari Fard, 2012). این پدیده‌ها، حق جستجوی خوشبختی را به صورت گم‌شده‌ای در وجود انسان درآورده و خوشبختی را به عنوان موضوعی قابل توجه قرار داده است. در برابر این نیاز عمومی و شناسایی خوشبختی به عنوان یک حق-ادعا، دولت‌ها وظایف دارند که به سیاستگذاری و هنجارگذاری در این حوزه اقدام نمایند و اساساً این حق غایت‌گونه، به عنوان یکی از بهترین معیارها، برای ارزیابی و اتخاذ سیاست‌های عمومی قلمداد شود؛ چرا که سیاست‌های خوشبختی دارای ظرفیتی چندبعدی و تحت تأثیر عوامل متعدد و در تعامل میان آن عوامل قرار دارد (Sachs, 2016:57). پس برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بدون درک قوی از عوامل موثر در جستجوی خوشبختی مردم و نحوه تعامل مردم با سیاستها بسیار دشوار است (Bale, 2016:68). در همین رابطه، برخی از چهره‌های برجسته مطالعات خوشبختی، احیای خوشبختی را چیزی جز یک دستورالعمل رادیکال نمی‌انگارند و می‌گویند: «برای اینکه خوشبختی به هدف اصلی سیاست تبدیل شود، ما نیاز به یک انقلاب در دولت داریم. پیشرفت خوشبختی ملی باید سنجیده و تحلیل شود» (Layard, 2005:199). از این رو می‌توان هم‌دل با توماس جفرسون در سال ۱۸۰۹ متذکر شد که «مراقبت توامان حیات و خوشبختی انسان و نه نابودی آنها، اولین و تنها هدف مشروع حکومت مطلوب است» (Miner & Rawson, 2006: 98). بر همین اساس، اهمیت و ضرورت این نوشتار در توجه لازم و بایسته به خوشبختی شهروندان از سوی دولت‌ها فارغ از ساختار نظام سیاسی آنها، در قالب سیاستگذاری عمومی است. پژوهش بر این سامان است که ابتدا مفهوم و چیستی خوشبختی مورد تحلیل قرار گرفته و در ادامه به الگوی مطالعه سیاستگذاری حق جستجوی خوشبختی، پرداخته شده و در نهایت نیز مطالعات تطبیقی در حوزه برنامه‌ها و سیاست‌های ایجابی و سلبی کشورهای مختلف در رابطه با حق خوشبختی مطرح خواهد شد.

پیشینه پژوهش

اکثر تحقیقات انجام شده در رابطه با خوشبختی با رویکردی روان‌شناسانه صورت گرفته است و بدین خاطر آثار مربوط به بررسی و ارزیابی سیاست‌های خوشبختی بسیار محدود است. هر چند بعضی از مقامات اجرایی و صاحب‌نظران علمی به صورت گذرا و اجمالی به سیاست‌های خوشبختی توجه داشته‌اند؛ اما از آنجای که بر یک یا چند بعد، برای تحقق جستجوی خوشبختی تاکید داشتند، سبب عدم جامعیت و کل‌نگری نوشتارهایشان شده است. در این رابطه، می‌توان به مقالات معدودی اشاره کرد: به طور مثال انریکه پنیاالوسا، شهردار سابق بوگوتا (پایتخت کلمبیا) در مقاله سیاست‌های خوشبختی: شهر و مردم (Penalosa, 2002)، تصمیم گرفت که «برنامه‌ای برای خوشبختی» برگزیند اما عمده تاکید او در این مقاله بر مدیریت شهری قرار گرفت. وی بیان کرده است: ما بایستی شهری می‌ساختیم که نه در خور تجارت‌خانه‌ها یا اتومبیل‌ها باشد بلکه شهری باشد که برای کودکان و مردم مناسب باشد. به جای ساخت بزرگراه‌ها، استفاده از ماشین را محدود می‌کردیم. برای ساخت پیاده‌روهایی با کیفیت، پارک‌ها، مسیرهای دوچرخه‌سواری و کتابخانه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کردیم؛ از شر هزاران تابلوی تجاری خلاص می‌شدیم و درخت و نهال می‌کاشتم. همچنین دانکن نیز در مقاله خوشبختی، غمگینی و دولت (Duncan, 2013) به مباحث اقتصادی و از جمله تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای مطلوبیت زندگی که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است، می‌پردازد و بیان می‌کند، استفاده از نظرسنجی‌های اجتماعی برای سیاستگذاری خوشبختی توسط اقتصاددانان پذیرفته نشده است. در مقاله رابطه بین سرمایه فرهنگی و احساس خوشبختی (مطالعه موردی شهر یزد) (Momeni Landi, 2019) نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نویسنده به این نتیجه دست می‌یابد که رابطه سرمایه فرهنگی با احساس خوشبختی و ابعاد آن معنی دار و مستقیم است.

چیستی حق جستجوی خوشبختی

خوشبختی دو معنای کاملاً متفاوت دارد؛ یک معنا از آن برای توصیف «شادی» استفاده می‌شود که یک احساس ناشی از یک رویداد کوتاه مدت است (Cummins, 2016: 274). اغلب با نظرسنجی‌های استفاده از زمان که «آیا دیروز زیاد لبخند زده‌اند یا زیاد خندیده‌اند»، «آیا در بخش اعظمی از روز گذشته، لذت زیادی را تجربه کرده‌اند (احساس مثبت)» و «آیا در بخش اعظمی از روز گذشته، احساسات منفی خاصی تجربه کرده‌اند یا خیر» این توصیف به دست می‌آید. واکنش احساسی منفی، برای هر فرد، با میانگین پاسخ‌های بله یا خیر او در مورد سه احساس ارائه می‌شود که این سه احساس عبارتند از: نگرانی، غم و عصبانیت (احساس منفی) و در آن از پاسخ دهندگان درخواست می‌شود، برای اینکه تغییرات کوتاه مدت را به تصویر بکشند، خلق و خوی خود را ارزیابی کنند (Kahneman & Deaton, 2010: 1). معنای دوم خوشبختی کاملاً متفاوت بوده و منظور از این نوع خوشبختی، امری مشتمل بر احساس مثبت طولانی مدت است (Seidlitz & Diener, 1993: 110). در این تعریف، خوشبختی پایدار از طریق ارزیابی و سنجش در مورد میزان خوشبختی یا رضایت افراد از زندگی‌اش خود مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Helliwell, 2021: 16). در تحلیل گزارشات مربوط به خوشبختی کشورها از جمله گزارش‌های جهانی خوشبختی از این تعریف استفاده می‌شود. منظور از جستجوی خوشبختی در این پژوهش، موجبات و اسباب خوشبختی است که باید عوامل تاثیرگذار در ارتقای خوشبختی‌های افراد کشف و برای ارتقای و گسترش این عوامل در جامعه تلاش کرد و با معنای دوم خوشبختی (خوشبختی پایدار) قرابت دارد. البته ناگفته نماند که احساسات و تجربیات روزانه، تقویت‌کننده‌های مهمی برای ارزیابی‌های زندگی که وضعیت کلی زندگی را به طور دقیق تر نشان می‌دهند، هستند. با این حال، از دیدگاه عده‌ای از صاحب‌نظران، واژه «جستجوی خوشبختی»، آن کلمه‌ای نیست که برای انجام تحقیقات کمی راجع به ماهیت روانشناختی اجتماعی یا اقتصادی شادکامی کافی باشد، بلکه بایستی عبارت‌های دیگری جایگزین آن شود؛ از جمله عباراتی مانند: «استاندارد زندگی»، «کیفیت زندگی» و موارد دیگر (Barbu, 2017: 3). برخی از صاحب نظران معتقدند که حق مورد ادعای مردم، حق خوشبختی قلمداد نمی‌شود و دولت بایستی حق جستجوی خوشبختی را برای مردم تضمین کند، آن هم با ایجاد شرایط و مقدمات مناسبی، که با ضمانت‌های بنیادین مندرج در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر همخوانی دارند (Marinica, 2017: 55). با این وجود، به نظر می‌رسد که با به رسمیت شناختن حق جستجوی خوشبختی توسط دولت‌ها که متضمن یک مفهوم فراگیر است، الزامات ویژه‌ای در سیاست و امور حاکمیتی برجسته شود. افزون بر این، حق جستجوی خوشبختی، از لوازم و به عبارت دقیق‌تر درون مفهوم «حق حیات» اخذ شده است؛ توضیح اینکه، پیش‌تر، حق حیات به صورت مضیق و محدود فهم می‌شد و ملزومات اساسی زندگی را شامل نمی‌شد و تنها دربردارنده جلوگیری از قتل، قساوت‌های زمان جنگ، اتانازی و لغو مجازات اعدام بود؛ اما اکنون، حق حیات به طور گسترده‌تر و شامل تدابیری است که باعث مطلوبیت و کیفیت زندگی و افزایش امید به آن می‌شود (Hardberger, 2005: 332). نسبت این حق با سایر حقوق بشر و شهروندی نیز بدان شکل است که استیفای هر یک از حقوق بشری بستگی بدان دارد که آدمیان خود را خوشبخت فرض کنند. همچنین بخشی از مبانی نظری مربوط به مقوله سیاست خوشبختی، بر دیدگاه جرمی بنتام استوار است. از نظر بنتام، «سیاست درست همان چیزی است که بیشترین خوشبختی را برای بیشترین تعداد از افراد جامعه فراهم کند» (Will, 2002: 9). بنابراین واضح است که بر مبنای این نظریه، هر قانونگذاری، سیاستمداری و مجری قانون، بیشترین خوشبختی را برای بیشترین مردم پدید آورد، راه درستی در پیش گرفته است. البته در برابر، «اصل بیشترین خوشبختی»، بدان جهت که ممکن است به توجیه هر راهی که منجر به بهبود خوشبختی می‌شود بیانجامد (از جمله راه‌های اخلاقی مردود نظیر دستکاری ژنتیکی و سرکوب سیاسی)، مورد نقد واقع قرار گرفته است (Veenhoven, 2015: 13). افزون بر آنکه، خوشبختی، غیر قابل سنجش است و نمی‌توان به شیوه‌ای تعریف‌شده مقدار آن را سنجید (Veenhoven, 2004: 6). اما در پاسخ، باید در نظر داشت که اقدامات فوق، هرچند ممکن است منجر به احساس خوشبختی آتی یا کوتاه مدت شود، اما آثار و پیامدهای روانی، جسمانی و اجتماعی بلندمدت آن منجر به احساس بدبختی می‌شود. همچنین، افراد بر زندگی خود نظارت داشته و «خوداظهاری» افراد از شرایط زندگی شان و دلایل مشغولیت ذهنی آنها از وضع حال و نگرانی آنها از آینده زندگی خود و خانواده‌شان، نشانه غیرمستقیم سنجش افراد از خوشبختی‌شان است.

همچنانکه، شرایط تبعیض‌آمیز و ایجاد فضای نابرابری در عرصه‌های مختلف (برای مثال تحصیلی، شغلی) بر توانایی و مهارت‌های افراد فائق آمده و موجب احساس ناراحتی افراد می‌شود. پس از شناسایی مفهوم و مبانی حق جستجوی خوشبختی، به نظر می‌رسد، نظریه اینکه مردم «می‌توانند» خوشبخت باشند، به این معنی است که با سیاست‌های عمومی «می‌توان» آنها را خوشبخت کرد (Veenhoven, 2004:9). برای صحت اثبات این نظریه، می‌توان از تئوری زیست‌پذیری استمداد جست. وفق این نظریه، خوشبختی به برآورده شدن نیازهای انسان‌ها وابسته است که تحقق نیازها نیز به نوبه‌ی خود به شرایط بیرونی زندگی و هم‌ظرفیت‌های درونی در جهت برآورده کردن آن نیازها بستگی داشته و ارضای نیازهای انسان خوشبختی به دنبال خواهد داشت. در حقیقت، زمانی که رابطه بین نهادهای اجتماعی و نیازهای انسانی تقویت شود، خوشبختی افزایش پیدا می‌کند. در مقابل شرایط زندگی نامناسب منجر به کاهش خوشبختی خواهد شد و از این‌رو که تمام مناطق یک جامعه عملکرد یکسانی ندارند (Veenhoven, 1995: 2)؛ بنابراین افراد در تمام مناطق جغرافیایی یک جامعه از میزان خوشبختی یکسانی برخوردار نیستند که دولت باید در این زمینه شرایط را فراهم کند؛ مانند ایجاد سیستمی که برای خوشبختی ملت عملی و معقول است یا اینکه در عوض بیشتر بر نتایج فرعی مانند رشد اقتصادی و سلامت فیزیکی و آموزش به عنوان اهداف سیاست‌های خوشبختی دولت تکیه کند. بنابراین در رابطه با خوشبختی، دولت‌ها باید به عنوان بازیگر اصلی با ایجاد شرایط و مقدمات مناسب که منتج به تأمین زندگی مطلوب یا تأمین زندگی بهتر مردم شود، نقش ایفا کنند. اما دیدگاه‌های دیگر، نسبت به احتمال بهبود وضعیت خوشبختی انسان از رهگذر سیاستگذاری عمومی، خوشبین نیستند؛ یکی از این دیدگاه‌ها که به نظریه مقایسه‌آمیز معروف است، چنین استدلال می‌کند که خوشبختی حاصل مقایسه بین این دو مفهوم است: زندگی باید چگونه باشد و در واقعیت چگونه است؟ و هر چه فاصله بین آنچه فرد می‌خواهد و آنچه دارد، بیشتر باشد، خوشبختی او کمتر به نظر می‌رسد. این باور، اذعان دارد که نیل به خوشبختی کامل، غیرممکن است و اگر همیشه بیشتر از آنچه داریم، بخواهیم، هیچ وقت خوشبخت‌تر نمی‌شویم. همچنین، خواسته‌ها با نیازهای ذکر شده در بالا متفاوت هستند، چه آنکه، خواسته‌ها، آگاهانه هستند، در حالی که فرد ممکن است به نیازهای خود آگاه نباشد. همچنین، خوشبختی یک امر خصلت‌گونه است و از این رو با بهبود شرایط زندگی، تغییری در خوشبختی افراد حاصل نمی‌شود (Veenhoven, 2014:2). اما از آنجا که خوشبختی موضوعی چند بعدی است، بنابراین دارای «پیچیدگی علی» است و برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند. بنابراین، نقش دولت به عنوان بازیگر اصلی در ایجاد خوشبختی مردم مورد اهمیت می‌باشد و با وجود پذیرش خصلت‌های پیش‌گفته، ولی چیزی که مسلم است آن است که بدون تأمین نیازهای اساسی و آزادی‌های بنیادین، احساس خوشبختی، موضوعی قابل درک نیست.

الگوی‌ها و بایسته‌های سیاستگذاری «حق جستجوی خوشبختی»

الگوهای سیاستگذاری حق جستجوی خوشبختی

الگوهای متعددی برای سیاستگذاری حق جستجوی خوشبختی قابل طرح است که هر یک بایسته‌هایی را برای سیاستگذاری خوشبختی مطرح می‌کنند؛ برای نمونه: مدل ابزاری سیاست عمومی؛ نتایج حاصل از پژوهش‌های مربوط به خوشبختی را به عنوان مواردی در نظر می‌گیرد که می‌توان، آنها را به برنامه‌های سیاسی خوشبختی تبدیل نمود و آنها را به ثمراتی اجتماعی تبدیل نمود (Duncan, 2008: 169). مدل دوم سیاست عمومی را می‌توان تحت عنوان مدل «تعامل‌گرایانه» نامید. این مدل، مجموعه پیچیده‌ای از نهادها و کنشگران را در نظر می‌گیرد که سیاست را به عنوان یک سیستم، همراه با زیرسیستم‌ها و فرآیندهای بازخوردی شکل می‌دهند و سیاست را به این صورت اجرا می‌کنند. طبق این مدل، سیاست، سلسله‌مراتب‌هایی را دربرمی‌گیرد که معمول و باثبات عمل می‌کنند؛ در واقع در این مدل، سیاست به اثرات پیچیده و کمتر قابل پیش‌بینی شبکه‌های

1 - Livability Theory

2 - Comparison Theories

3 - Trait Theories

4 - Instrumental Model of Public Policy

5 - Interactionist

متغیر و ساختارهای پیچیده حاکمیتی نیز بستگی دارد که برخی از آنها، خارج از محدوده اختیارات دولتی رخ می‌دهند. چنین مدلی، مفهومی مانند خوشبختی را در حوزه‌ای پیچیده و قابل بحث قرار می‌دهد. از این رو، لازم است که هر گزاره سیاستی، این موضوع را مد نظر قرار دهد که چگونه آرمان خوشبختی ممکن است در جوامع مختلف ابراز شود، خواه آن جامعه سکولار باشد یا اسلامی، مبتنی بر اکثریت‌سالاری باشد یا وابسته به اقلیت و موارد دیگر. همچنین، تفاوت‌های فردی و فرهنگی در حوزه ارزش‌ها و اولویت‌های سیاست در خصوص چگونگی دستیابی مردم به خوشبختی یا چگونگی دستیابی مردم به «زندگی مطلوب»، در چنین فرآیند سیاست‌گذاری، موضوعی مرتبط و قابل بحث خواهد بود (Duncan, 2008: 169-170). الگوی سوم را باید سیاست مراقبت نامید؛ همانطوری که یکی از بهترین و موثرترین راه‌ها برای جلوگیری از آسیبها و صدمات ناشی از بیماری‌ها، مراقبت مادر از فرزند می‌باشد؛ بنابراین دولت‌ها نیز بایستی هنجارهایی را تقنین کنند که بیشترین خوشبختی را فراهم می‌نماید (Veenhoven, 2010: 606). وفق الگوی چهارم؛ یعنی مدل «ساختارگرا»، بایستی فرآیند سیاسی «شکل‌گیری مشکل» در جامعه، جزو پارادایم‌های تاثیرگذار در سیاست‌گذاری، مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد (Dean & Hindess, 1998:165) از این رو، شرایط اجتماعی صرفاً وضعیت‌هایی عینی که پژوهشگران اجتماعی آن را برای ارائه اطلاعات به سیاست‌گذاران مدنظر قرار می‌دهند نیست؛ بلکه این واقعیت‌های عینی، چارچوبی را شکل می‌دهند که در آن می‌توان آن پدیده را به عنوان یک «مشکل» در نظر گرفت و منطقاً بایستی نسبت به آن توجه و اقدام سیاسی صورت گیرد. به این ترتیب، رویکرد ساختارگرا، ملازم با روش‌هایی است که قابلیت هنجاری نمودن الگوهای رفتاری قابل پیش‌بینی یا قابل اعتماد؛ نظیر ایمنی، صرفه‌جویی مالی، تغذیه سالم یا در واقع خوشبختی و مطلوب‌زیستی را محقق می‌کند (Duncan, 2008: 169). به‌نظر می‌رسد مدل چهارم و بایسته‌های ناشی از آن، رویکردی ملموس‌تر برای سیاست‌گذاران باشد؛ چه آنکه کاهش خوشبختی، با افزایش معضلات جامعه و تنش‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد؛ به‌ویژه آنکه، گرایش‌های منفی و ذهنیت‌های بدبینانه به‌همراه موج پایین آمدن سن خودکشی، فزون یافتگی طلاق، اعتیاد، خشونت و حجم پرونده‌های قضایی و موج افسردگی در جوامع و بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی دیگر، نشان از «مشکلی» در جامعه و در نتیجه کاهش خوشبختی داشته و نیازمند توجه و اقدام فوری سیاست‌گذاران برای جستجوی عناصر موثر در جستجوی خوشبختی است. در این رابطه محققان معتقدند: «فقدان افسردگی، اضطراب، ناامنی و چنین مواردی، به خودی خود موجب شکل‌گیری خوشبختی نمی‌شوند با این وجود، یک پیش‌نیاز مهم برای خوشبختی به شمار می‌آیند» (Argyle, 2001: 198).

بایسته‌های سیاست‌گذاری «حق جستجوی خوشبختی»

پیش از ورود به مطالعه سیاست‌های کشورهای موفق از حیث سیاست‌گذاری خوشبختی، لازم به ذکر است که برای حمایت از تلاش‌های نظام‌مند برای اساسی‌سازی، ارزیابی و سنجش سیاست‌های حکومتی از حیث تأثیر بر خوشبختی مردم، سه مولفه اصلی، نیاز است. نخستین مورد، مجموعه «داده‌ها و اطلاعات» مربوط به خوشبختی کشورهای مختلف است که باید دارای جزئیات کافی باشند تا بتوان به گردآوری و فهم چرایی درجه‌ی بالاتر خوشبختی برخی ملل نسبت به سایرین اقدام کرد (Helliwell, 2020:3). چنین دیدگاهی را می‌توان نظریه مقایسه‌ناامید که در آن، جستجوی خوشبختی از مقایسه اطلاعات خوشبختی بین ملت‌ها حاصل می‌شود که ما زندگی را آنگونه که باید باشد، با استانداردهای مربوط به این موضوع (جستجوی خوشبختی) مقایسه می‌کنیم. مطالعه تطبیقی در این حوزه و لحاظ ملاک‌های منتج از این مطالعات می‌تواند موجب ارتقای سطح شرایط زندگی در دیگر ملل شود. البته نسبتاً کشورهای اندکی هستند که در حال حاضر، به این منظور به انجام پژوهش‌های با جزئیات و کثرت کافی برای تدوین سیاست‌های متمرکز بر مطلوب‌زیستی و پیگیری خوشبختی، روی آورده‌اند. شاید در مطالعه الگوهای سیاست‌گذاری خوشبختی، بتوان گفت، خوشبختی یک «خاصیت» ثابت است؛ نه یک «حالت» متغیر. بنابراین، بهبود شرایط بیرونی زندگی، خوشبختی بیشتری در پی نخواهد داشت و ارزیابی ما از زندگی عمدتاً با یک تمایل درونی به لذت بردن از زندگی یا لذت نبردن از آن تعیین می‌شود (Veenhoven, 2014: 2)؛ اما باید توجه داشت، دولتی که پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، میزان تحقق حق توسعه، نابودی فقر، بی‌ثباتی اقتصادی، محرومیت اجتماعی و حاشیه‌نشینی و نیز تحقق امنیت غذایی

و کار شایسته و نظم حقوقی، موفق عمل نماید، مطمئناً پیش‌نیازهای حق بر خوشبختی را ایجاد کرده است. همچنین «مقایسه» الگوهای خوشبختی نیز بیشتر بیانگر این است که میانگین خوشبختی در برخی از کشورها افزایش یافته و در برخی دیگر کاهش یافته است. نمونه‌ای از افزایش تدریجی خوشبختی، کشور دانمارک است، جایی که در آن میانگین خوشبختی در مقیاسی بین ۰ تا ۱۰، از میزان ۷,۶ در سال ۱۹۷۳ به ۸,۳ در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت (Veenhoven, 2013: 57). همچنین الگوی مطالعه مقایسه‌ای خوشبختی، می‌تواند جستجوی خوشبختی را به‌عنوان سیاستی فراگیر و دارای قابلیت برای ایجاد همکاری بین‌دولتی تغییر دهد و این امر به نوبه خود می‌تواند به شکلی گسترده‌تر، منجر به حصول خوشبختی شود» (Helliwell, 2018:13)؛ برای نمونه، شورای جهانی خوشبختی؛ یک اندیشکده جهانی جدید از متخصصان برجسته دانشگاهی در زمینه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی شهری و نمایندگان دولت‌های مختلف است و با دعوت و تشکیل کارگروه‌های متخصص (اعم از محققان و سیاستمداران) در مورد خوشبختی، سالانه بهترین اقدامات و توصیه‌ها را در سطوح ملی و محلی برای ترویج و ترغیب تحقق این حق، مشخص می‌کند و در پی آن است که با کاربرد این سیاست‌ها، شکاف موجود میان کشورها را از لحاظ خوشبختی پر کنند. همچنین، بعید است که دولت‌ها اهداف سیاسی خود را تغییر دهند؛ مگر اینکه آن اهداف، از سوی افکار عمومی حمایت شوند (Helliwell, 2020:3). در واقع خوشبختی افراد، بازتابی از مشخصه ملی جمعی در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد که «نگرش به زندگی» که در ارزش‌ها و باورهای مشترک نهفته است - در ادراکات و ارزیابی‌های فردی نفوذ پیدا می‌کند» (Veenhoven, 2014:5). افکار عمومی، نشأت گرفته از علایق مشترک درباره موضوع واحد (جستجوی خوشبختی) و واکنش حاصل به عنوان ثمره آن علایق (رسیدن به خوشبختی)، در اثر همکاری مبتنی بر ارتباط و تأثیر متقابل است. بنابراین، با توجه به علنی بودن آسیب‌های عدم خوشبختی افراد جامعه، تبادل نظر عقلانی - ارتباطی «افکار عمومی به عنوان صدای عامه مردم و خواست ملت» با «حکومت» برای قضاوت سیاست‌های خوشبختی جامعه و آگاه‌اندیدن سیاستگذاران برای کردارشان ضرورت دارد. در حال حاضر، در اکثر کشورها، از چارچوب «توسعه» برای محقق نمودن خوشبختی پایدار، حمایت آشکاری از سوی اذهان عمومی صورت می‌گیرد و گسترش تعهدات کشورها نسبت به توافق پاریس با توجه به اینکه پیگیری خوشبختی را در زمره اهداف توسعه پایدار، مورد شناسایی قرار داده، گواهی بر این موضوع است (Helliwell, 2020:3). دیگر آنکه، برای اینکه اهداف گسترده‌تری برای پیگیری خوشبختی در قالب سیاست بیان شود، لازم است که تجزیه و تحلیل هزینه/فایده به صورتی جامع‌تر، به ویژه در امور مسائل اجتماعی صورت گیرد (MacLenna & et al, 2021: 21). تحلیل هزینه/فایده، مشتمل بر هزینه‌هایی است که «پیگیری خوشبختی و نیکبختی» در تقابل و عدم همراهی احساس «بدبختی و ناکامی» به بار می‌آورد و مستقیماً بر اساس برآورد مردم از کل اوضاع و احوال زندگی‌شان است. مسلماً حذف و اعمال محدودیت در رابطه با سیاست‌های پیگیری خوشبختی مردم در دراز مدت، هزینه‌های هنگفتی بر جامعه تحمیل می‌کند؛ چه آنکه، آسیب‌ها انباشته شده و جامعه به شرایط تراکم و انسداد می‌رسد. به همین دلیل، در دو دهه اخیر سیاست‌های پیگیری خوشبختی، در کشورهای دنیا روز به روز پر رنگ تر می‌شود و تنها تعداد محدودی از کشورها با استفاده از تعابیر مبهم و با سلب و نقض این حق، درصد کم‌رنگ نمودن خوشبختی افراد جامعه خویش بوده‌اند. از دیگر هزینه‌های اجتماعی ناشی از عدم خوشبختی جامعه، مسئله مهاجرت نخبگان، نیروی کار متخصص و زبده از یک کشور است که «به عنوان مخرب‌ترین بحران اجتماعی یاد می‌شود» (Abdoli, 2015: 7)، و این عده، مهاجرانی هستند که داوطلبانه برای جستجوی یک زندگی بهتر برای خود و خانواده‌شان با وجود موانع اولیه مانند یادگیری زبان، احساس دلتنگی و انزوا و استرس فرهنگ پذیری، نقل مکان می‌کنند (Hendriks & et al, 2018:45).

مطالعه مقایسه‌ای سیاست‌های خوشبختی در کشورهای نمونه

نهادهای سیاستگذار، در کشورهای مختلف، اقدام به سیاستگذاری در حوزه خوشبختی جامعه کرده‌اند؛ در زیر اقدامات و برنامه‌های دولتهای مختلف در رابطه با خوشبختی ملتها، تحلیل خواهد شد.

۱- بوتان

در سال ۱۹۷۲، اصطلاح «خوشبختی ناخالص ملی» برای اولین بار توسط پادشاهی بوتان، جیگمه سینگ و وانگچوک، به عنوان هدف اصلی سیاست مطرح شد. پادشاه بوتان معتقد بود که خوشبختی باید بر اساس توسعه مردم تعیین شود، نه بر اساس معیارهای انتزاعی اقتصادی؛ مانند تولید ناخالص داخلی^۱ (Allison, 2012: 180). بدین معنا که ایدئولوژی خوشبختی ناخالص ملی، اهداف توسعه‌ای بوتان را به مقوله جستجوی خوشبختی مرتبط می‌سازد. این بدان معناست که این ایدئولوژی، بیانگر دیدگاه بوتان در مورد هدف زندگی انسان است، بینشی که در آن فضل و کمال فردی، موضوع اصلی اهداف توسعه‌ای این ملت قلمداد می‌شود، و برای مردم بوتان، اولویت اصلی است و همچنین برای افراد نیز یک اولویت به شمار می‌آید. علاوه بر این، دولت بوتان عوامل موثر بر خوشبختی در جامعه را مورد مطالعه قرار داد و ۹ زمینه جدید خوشبختی را تدوین نموده است:

جدول ۱ - شاخص خوشبختی ناخالصی ملی - حوزه‌ها و شاخص‌ها

شاخص‌ها	حوزه
استرس، همدلی، آرامش	سلامت روانی
صمیمیت، انسجام جوامع و روابط خانوادگی	سرزندگی جامعه
آلودگی، کاشت درختان و روش‌های دفع زباله	اکولوژی
زمان صرف شده با دوستان و زمان صرف نظر از کار	زمان استفاده شده
توانایی صحبت به زبان ملی و دانش رسوم اجدادی	تنوع فرهنگی
شغل زایی، کاهش شکاف درآمدی، تامین برق، بهبود خدمات بهداشتی و میزان فساد در ادارات دولتی	نظارت مطلوب
درآمد، مالکیت خانه و امنیت غذایی	استاندارد زندگی
ارزش‌های مرسوم، دانش و مهارت‌های الزامی برای زندگی روزمره	تحصیلات
تمرکز بر سلامت جسمانی	سلامت

Source://http://www.grossnationalhappiness.com/articles

هدف جزئی و ۲۳۰ شاخص که منجر به خوشبختی انسان می‌شود تصویب کرد. دولت بوتان جهت بهبود خوشبختی مردم، به تصریح اهداف توسعه پایدار در دوازدهمین برنامه پنج ساله خود در ژوئیه ۲۰۱۸-ژوئن ۲۰۲۳، پرداخت (Dorji, 2018:3-4). سه هدف میان‌مدت بوتان به ترتیب اولویت عبارتند از:

- هدف ۱: ریشه‌کن کردن تمام انواع فقر در همه جا، تاکید بر اهمیت دائمی کاهش فقر و تغییری فراتر از فقر درآمدی در جهت رسیدگی به مسائل حمایت اجتماعی و گروه‌های آسیب‌پذیر؛ - هدف ۱۳: اقدام فوری جهت مقابله با تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن، پایبندی بوتان در برابر جامعه جهانی به عدم تولید کربن برای همیشه؛ - هدف ۱۵: محافظت، بازسازی و ترویج استفاده‌ی پایدار از اکوسیستم زمینی، مدیریت پایدار پوشش گیاهی، مقابله با بیابان‌زایی و جلوگیری و ممانعت از فرسایش زمین و پیش‌گیری از کاهش تنوع زیستی. درحالی که بوتان همواره به رفع نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر متعهد بوده است، اصل «از هیچکس نباید غفلت شود» موجب افزایش انگیزه این هدف شده است. بوتان قصد دارد هم فقر چندبعدی و هم فقر درآمدی را به واسطه اقدامات هدف‌مند به کمتر از ۵ درصد کاهش دهد. ترویج برابری جنسیتی و رفع نیاز افراد دارای معلولیت به منزله یکی از شانزده حوزه اهداف کلیدی ملی در دوازدهمین برنامه پنج ساله قلمداد می‌شود. به‌علاوه بوتان به‌منظور افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی سرمایه‌گذاری در گردشگری، کشاورزی آلی و صنایع خانگی و کوچک را گسترش خواهد داد. به‌منظور ایجاد «اکوسیستم کارآفرینی» در جهت فراهم کردن بستری برای نوآوری و ایجاد شغل، ابتکاراتی به عمل خواهد آمد.

1 - Gross National Happiness
2 - Gross Domestic Product

جدول ۲ - رتبه و میانگین نمره خوشبختی کشور بوتان در سنجش‌های جهانی

سال متغیر	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
تعداد کشورها	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹
رتبه بوتان				۹۷	۹۷	۹۵	-	-
میانگین نمره خوشبختی دامنه ۱۰ تا ۱۰				۵/۰۱	۵/۰۸	۵/۰۸		

Source: <http://world.happiness.report>

۲- انگلستان

بریتانیا مدت‌هاست که در سیاستگذاری خوشبختی و به زیستی در جهان پیشتاز بوده و همچنان در خط مقدم تحولات بین‌المللی قرار دارد (Frijters, 2019: 2) و از سال ۱۹۴۲ که زمینه را برای وضعیت رفاهی انگلستان پی ریزی کردند، خوشبختی به صورت رسمی هدف اصلی این کشور شد (Beveridge, 1942:171). در دو دهه اخیر، خوشبختی قلب توجهات دولتمردان انگلیسی بوده است؛ در این رابطه دولت تونی بلر (۲۰۰۷-۱۹۹۷) خواستار مطالعه «رضایت از زندگی» شد (Donovan & Halper, 2002). و دیوید کامرون (۲۰۱۰-۲۰۱۶)، نخست وزیر محافظه کار نیز اعلام کرد که «بین آنچه سیاستگذاران و دولتمردان انجام می‌دهند و خوشبختی و رضایت مردم از زندگی ارتباط وجود دارد!». بنابراین تاکیدیهای سیاستمداران از سال ۲۰۰۰ به بعد موجب تدوین شاخص‌هایی جامع شد تا بتوان از طریق آنها، معیارهای مطلوب زیستی و تاثیر آنها در سیاست را تشریح کرد که در ذیل به مهمترین اقدامات اشاره خواهد شد: سازمان آمار ملی بریتانیا که از سال ۲۰۱۱ کار خود را آغاز کرده است، «پروژه مطلوب‌زیستی ملی» را ارائه نمود که به دنبال این است که مسائل اصلی و تاثیرگذارتر در مطلوب‌زیستی مردم را گردآوری کند (Tinkler, 2015: 376)، کارگروه تأثیرات اجتماعی، تحلیل‌گرانی را از سراسر بخشهای دولت مرکزی و از دستگاه‌های حکومتی که به آنها تفویض اختیار شده بود گرد هم آورد. این کارگروه، قبل از راه‌اندازی برنامه مطلوب‌زیستی ملی (در آگوست ۲۰۱۰) کار خود را آغاز نمود، با این حال نقش مهمی در به اشتراک گذاشتن عملکردهای مطلوب ایفا نمود و توانست در مورد تجزیه و تحلیل مطلوب‌زیستی در ارتباط با سیاست در سال‌های آتی، راهنمایی‌هایی ارائه کند. از سال ۲۰۱۴ یک مرکز What Works برای خوشبختی کار خود را آغاز کرد و شواهدی را در مورد کارهایی که می‌توان برای افزایش خوشبختی انجام داد، جمع‌آوری و به طور گسترده منتشر و همچنین راهنمایی‌های عملی ارائه می‌کند تا دولت، کسب و کارها و جوامع بتوانند از آن برای کمک به بهبود مطلوب‌زیستی در سراسر بریتانیا استفاده کنند (Hardoon & Hey, 2020:37). مؤسسه ملی سلامت و تعالی بالینی اطلاعات مبتنی بر شواهد و راهنمایی‌های رایج به مسائل مختلف مربوط به سلامت روان در انگلستان را ارائه می‌دهد (Ranaweer, 2013:14). این مؤسسه، مجموعه‌ای از گزارش‌هایی فنی را راجع به ارتقاء مطلوب‌زیستی روانی در شرایط مختلف و در میان گروه‌های مختلف مردمی منتشر کرده است. برخی از مطالب منتشر شده توسط این مؤسسه عبارتند از: ارتقاء مطلوب‌زیستی در محل کار (2009)، ارتقاء مطلوب‌زیستی برای افراد مسن^۴ (2008)، مطلوب‌زیستی اجتماعی و عاطفی در تحصیلات ابتدایی^۵ (2008)، و مطلوب‌زیستی اجتماعی و عاطفی در تحصیلات متوسطه^۶ (2009). این مطالب، برای استفاده از آن دسته از سازمان‌های مختلف دولتی است که بر مسائل مذکور نظارت دارند.

جدول ۳ - رتبه و میانگین نمره خوشبختی کشور انگلستان در سنجش‌های جهانی

سال متغیر	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
تعداد کشورها	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹

1 - Cameron, D. (2010, November 25). PM Speech on Well-being. Retrieved November 8, 2011, from UK Prime Minister Office: http://www.number10.gov.uk/news/PM_Speech_on_well_being

2 - http://research.dwp.gov.uk/asd/asd5/greenbook_valuationtechniques.pdf

3 - National Institute For Health & Clinical Excellence. Promoting mental Wellbeing at work.

4 - National Institute For Health & Clinical Excellence. Occupational Therapy Interventions & Physical Activity Interventions to Promote the Mental of Older People

5 - National Institute For Health & Clinical Excellence. Social & Emotional Wellbeing in Primary Education

6 - National Institute For Health & Clinical Excellence. Social & emotional wellbeing in Secondary education

۱۷	۱۳	۱۵	۱۹	۱۹	۲۳	۲۱	۲۲	رتبه انگلستان
۷/۰۶	۷/۱	۷/۰۵	۶/۸۱	۶/۷۱	۶/۷۲	۶/۸۶	۶/۸۸	میانگین نمره خوشبختی دامنه ۰ تا ۱۰

Source: <http://worldhappiness.report>

۳- ایتالیا

در دسامبر ۲۰۱۰، شورای ملی اقتصاد و کار، مبتنی بر قانون اساسی، نهادی را تأسیس نمود که به دولت، پارلمان و مناطق ایتالیا مشاوره ارائه دهد و طرح‌های پیشنهادی قانونی راجع به مسائل اقتصادی و اجتماعی را ترویج و ارتقا دهد. این نهاد، به همراه موسسه آمار ایتالیا، پروژه «مطلوب‌زیستی منصفانه و پایدار» (BES) را راه‌اندازی نمودند. هدف از این طرح، ایجاد یک «چارچوب ارزیابی» بود تا بتوان از آن برای ارزیابی خوشبختی مردم در ایتالیا استفاده نمود (Burchi & Gnesi, 2013: 20). در حال حاضر، چارچوب BES شامل ۱۳۰ شاخص است که معیارهای عینی و ذهنی مربوط به مطلوب‌زیستی، برابری و پایداری را در بر می‌گیرد و در ۱۲ حوزه طبقه‌بندی شده که این حوزه‌ها عبارتند از: محیط زیست، سلامت، رفاه اقتصادی، آموزش و پرورش، تعادل کار و زندگی، روابط اجتماعی، امنیت، رفاه ذهنی، چشم انداز و میراث فرهنگی، پژوهش و نوآوری، کیفیت خدمات، سیاست‌ها و نهادها.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این سیاست‌ها، سلامت، محیط زیست، آموزش و پرورش و کیفیت خدمات مهم‌ترین موارد در نظر گرفته شده است، در حالی که رفاه اقتصادی، رضایت از زندگی، مشارکت سیاسی، اعتماد به نهادها و امنیت چندان اهمیتی نداشته است. در حوزه‌های خاص نیز، شاخص‌ها، کیفیت هوای شهری، درآمد سرانه قابل تصرف تعدیل شده، شرایط نامناسب مسکن، مشارکت در آموزش دوران کودکی، سهم شاغلانی که از کار خود احساس رضایت می‌کنند، اعتماد عمومی، کار داوطلبانه، رضایت از روابط خانوادگی و مشارکت رای‌دهندگان و نیز اعتماد به پارلمان، احزاب سیاسی، سیستم قضایی و نهادهای محلی بوده‌اند!

جدول ۴ - رتبه و میانگین نمره خوشبختی کشور ایتالیا در سنجش‌های جهانی

سال متغیر	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
تعداد کشورها	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹
رتبه ایتالیا	۴۵	۵۰	۵۰	۴۸	۴۷	۳۶	۳۰	۲۸
میانگین نمره خوشبختی دامنه ۰ تا ۱۰	۶/۰۲	۵/۹۴	۵/۹۷	۵/۹۶	۶/۰۰	۶/۲۲	۶/۳	۶/۴۸

Source: <http://worldhappiness.Report>

۴- کشورهای شورای نوردیک

براساس گزارش‌های جهانی خوشبختی، کشورهای شورای نوردیک در صدر فهرست کشورهای خوشبخت جهان قرار دارند که در زیر به مهمترین برنامه و سیاست‌های آنها در رابطه با خوشبختی اشاره می‌شود:

الف. سیاست دولت رفاه

یک عامل متعارف برای توضیح خوشبختی در کشورهای شمال اروپا، اعمال برنامه‌ها و سیاست‌های دولت رفاه است (Rothstein, 2010: 5-6). در کشورهایی که مردم به مزایای رفاهی نسبتاً سخاوتمندانه دولت دسترسی آسانی دارند، خوشبخت‌تر هستند. این نکته هم قابل ذکر است که فراگیر بودن مزایای رفاهی، موجب انتفاع توأمان افراد خانواده‌های فقیر و هم افراد خانواده‌های ثروتمند می‌شود و در آن دسته از کشورهایی که بازار کار برای جلوگیری از استثمار کارکنان، قاعده‌مند می‌شود، امنیت درآمد در وضعیت بیکاری، نقش مهمی در تعیین خوشبختی دارد؛ چرا که افزایش نرخ بیکاری و هم ترس از بیکاری، قویا بر خوشبختی جامعه تاثیر منفی می‌گذارد (Aysan, 2021: 78). همچنین کشورهای شورای نوردیک در خصوص سطوح

پایین نابرابری درآمدی مشهور هستند (Aberge, 2002:2)، اما شواهد واضحی وجود ندارد که نشان دهد فقدان نابرابری درآمدی، دلیل بالقوه‌ای است که می‌تواند رضایت بالا از زندگی را نشان دهد. همچنین وجود ارتباط مثبت بین مالیات تصاعدی و ارزیابی زندگی در سطح جهان، به طور کامل و به صورت غیرمستقیم از رضایت شهروندان از کالاهای عمومی تأثیر می‌پذیرد؛ از جمله مواردی مانند مراقبت‌های بهداشتی، تحصیل و حمل و نقل عمومی که مالیات تصاعدی به تأمین منابع مالی آنها کمک می‌کند (Milward, 2020: 9). از این رو، به نظر می‌رسد که هزینه‌های دولتی، به وضوح با رضایت بیشتر از زندگی یا رضایت کمتر از زندگی مرتبط نیست؛ زیرا هزینه‌های دولت ارتباط تنگاتنگی با چرخه‌های اقتصادی دارد، نه اینکه معیاری کافی باشد که بتوان بر طبق آن توزیع کالا و خدمات را بررسی نمود.

ب. کیفیت ارائه خدمات دولت

کیفیت ارائه خدمات با اعمال قدرت مرتبط است؛ از جمله با عواملی مانند حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت نظارت، و اثربخشی حکومت. این ابعاد، معمولاً به طور ژرف در رویه‌های سازمانی یک کشور ریشه دوانده‌اند و از این رو تداوم را ارتقا می‌دهند و انتظارات مردم را تثبیت می‌کنند. از این رو، دومین ویژگی دولت، یعنی کیفیت ارائه خدمات است که قویاً با خوشبختی شهروندان مرتبط است (Aberge, 2002:2). در واقع، کیفیت ارائه خدمات نهادهای دولتی، نقش زیادی در وضعیت خوشبختی کشورهای شمال اروپا ایفا می‌کند و این مؤسسات به تمامی مردم ساکن در داخل کشور، از جمله مهاجران، خدمت ارائه می‌دهند. بنابراین مزیت مطلوب زیستی کشورهای شمال اروپا، در عین حال شامل حال آن دسته از افرادی می‌شود که به این کشورها مهاجرت می‌کنند (Frank & et al, 2018: 131).

ج. اعتماد اجتماعی

برخی، یکی از رازهای خوشبختی در کشورهای شمال اروپا را درجات بالای اعتماد اجتماعی بین مردم و مقامات دولت دانسته‌اند (Rothstein, 2010:20). از جمله این عوامل، آزادی دسترسی به اطلاعات در کشورهای شمال اروپا است که نشان می‌دهد، در پنج کشور شمال اروپا، قوانین حق دسترسی اطلاعات بسیار متفاوت است و هیچ الگوی ثابتی را بر نمی‌تابند. در این دولت‌ها برحسب اعتمادی که به ارکان آن وجود دارد، فاصله بین مردم و دولت وجود ندارد (Jorgensen, 2014: 33).

د. محیط زیست

کار کردن بر روی برگشت‌پذیری تأثیر تغییرات آب و هوایی و احترام و سرمایه‌گذاری بالا در زمینه محیط زیست و همچنین وجود شهرهایی با بهترین امکانات قابل زیست در دنیا، موجب استمرار درجات برتر خوشبختی کشورهای شورای نوردیک در میان کشورهای جهان شده است (Yadollah Khani Keharzare, 2018: 80). در میان این کشورها، فنلاند، دانمارک، نروژ و ایسلند، در چهار رتبه اول قرار دارند و در سطح جهان، سوئد در رتبه هفتم قرار دارد (Helliwell & etal, 2020: 409).

ح. تولید ناخالص داخلی

با وجود کم‌رنگ شدن نقش تولید ناخالص داخلی به عنوان سنجش خوشبختی، ولی همچنان یکی از معیارهای سنجش خوشبختی در نظر گرفته می‌شود. کشورهای شمال اروپا با جمعیتی بالغ بر ۲۷ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۱۳۶۶ میلیاردی، در زمره اقتصادهای بزرگ جهان قرار دارند و همین سرانه تولید ناخالص داخلی، یکی از دلایل خوشبختی مردمان این پنج کشور است!

جدول ۵ - رتبه و میانگین نمره خوشبختی کشورهای شورای نوردیک در سنجش‌های جهانی

کشورهای شورای نوردیک	سال متغیر	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
	تعداد کشورها	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹

1 - Source: Evli, IMF, World Bank, Norden, Forbes, Business Insider, Oecd, Statista. Available at: <https://Pankki.evli.com>

۱	۱	۱	۱	۵	۵	۶	۷	رتبه	فنلاند
								میانگین نمره خوشبختی	
۷/۸	۷/۸	۷/۷۶	۷/۶۳	۷/۴۶	۷/۴۱	۷/۴۰	۷/۳۸		
۳	۳	۶	۵	۴	۲	۱	۳	رتبه	سوئد
								میانگین نمره خوشبختی	
۷/۵۷	۷/۵	۷/۴۸	۷/۴۸	۷/۴۹	۷/۵۰۹	۷/۵۸	۷/۶۵		
۳	۴	۴	۴	۳	۳	۲	۹	رتبه	ایسلند
								میانگین نمره خوشبختی	
۷/۵۵	۷/۵	۷/۴۹	۷/۴۹	۷/۵۰۴	۷/۵۰۱	۷/۵۶	۷/۳۵		
۲	۲	۲	۳	۲	۱	۳	۱	رتبه	دانمارک
								میانگین نمره خوشبختی	
۷/۶	۷/۶	۷/۶۰۰	۷/۵۵	۷/۵۲	۷/۵۲	۷/۵۲	۷/۶۹		
۶	۵	۳	۲	۱	۴	۴	۲	رتبه	نروژ
								میانگین نمره خوشبختی	
۷/۳۹	۷/۴	۷/۵۵	۷/۵۹	۷/۵۳	۷/۴۹	۷/۵۲	۷/۶۵		

report <http://worldhappiness>. : Source

نتیجه‌گیری

چنانکه به نظر می‌رسد، دولت در ایجاد سیاست‌های خوشبختی، اقدامات اجرایی و تهیه پیش‌نویس‌ها و دستورات در ارتقاء خوشبختی ساکنان یک کشور، نقش اصلی را برعهده دارد و تحقق حداکثری آن، خود فضیلت و برتری دولت‌ها را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، دخالت مثبت و حداکثری دولت نه تنها الزامی غیرمطلوب نیست؛ بلکه در خصوص حق بر جستجوی خوشبختی، تبدیل به ضروریات حکمرانی مطلوب می‌شود و تعهد هر دولت به عنوان بازیگر اصلی به تضمین جستجوی خوشبختی شهروندان وابسته به نتیجه‌ای است که در واقع ریشه در فلسفه وجودی دولت‌ها دارد. به هر روی، مبتنی بر مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری در کشورهای نمونه، می‌توان به این نتایج مشترک رسید: الف. رویکرد تک بعدی برای شناخت مسائل مرتبط با خوشبختی کافی نیست و نیازمند الگوواره‌های متقابل و غیرقابل تجزیه که در تعامل و تعاطی با یکدیگر قرار دارند، است. با بررسی و کنکاش در شاخص‌ها و حوزه‌های مطرح در برنامه‌ها و سیاست‌های کشورهای می‌توان گفت: در مجموع بنیان خوشبختی بر سه رویکرد «اجتماعی»، «اقتصادی» و «زیست محیطی» قرار دارد، و این سه الگوواره چارچوب و نقشه راه کشورهای نمونه قرار گرفته است که هرکدام دارای شاخص‌های گوناگون است. ب. در کشورهای مورد بررسی، برای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی جایگاه ویژه‌ای وجود دارد. فقط کشور انگلستان نگاه تک بعدی و تنها معطوف به مسائل اجتماعی داشته و از توجه به ابعاد اقتصادی و زیست محیطی غافل شده است. البته این نکته نیز قابل ذکر است که در کشورهای شورای نوردیک، ایتالیا و بوتان به طور صریح «ابعاد اجتماعی و اقتصادی» بیان نشده و سیاستگذاران به بیان شاخص‌های این دو بعد پرداخته‌اند. به طور مثال، در کشورهای شورای نوردیک و ایتالیا از شاخص «کیفیت ارائه خدمات دولت» بعنوان یکی از سیاست‌های خوشبختی سخن رفته که این شاخص تحت تاثیر طیف عظیمی از عوامل اجتماعی است؛ برای نمونه، تهیه آب آشامیدنی سالم و پاکیزه، دسترسی به امنیت غذایی و خوراک سالم و مغذی، کیفیت آموزش، دسترسی به انرژی مقرر به صرفه، مطمئن، نوین و پایدار، اشتغال مناسب و شایسته، زیست‌گاه انسانی مقاوم و پایدار، دستیابی به برابری جنسیتی. بعد «اقتصادی» پیش شرط دیگر خوشبختی مردم است که از طریق بهبود معیشت مردم، کاهش شکاف دستمزد و کاستی نابرابری‌های آشکار بین فقیر و غنی به افزایش سطح خوشبختی مردم کمک می‌کند. کشور بوتان به شاخص «درآمد» و «کاهش شکاف درآمدی»،

در ایتالیا به «رفاه اقتصادی» و در کشورهای شورای نوردیک به شاخص کلان تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص‌های بعد اقتصادی اشاره شده است. همچنین یکی از دلایل خوشبختی کشورهای نمونه، توجه و اهمیت به بعد زیست محیطی است.

References:

- 1- Abdoli, Leila (2015). Investigation of the factors affecting brain drain, International Conference on Science & Engineering, Dubai [in Persian].
- 2- Abergé, Rolf, Bjorklund, Anders, Jantti, Markus (2002) Income Inequality & Income Mobility in The Scandinavian Countries Compared to the United States. Review of Income & Wealth. Vol.48.No.4, 1_27
- 3- Allison, Elizabeth (2012), Gross National Happiness. Berkshire Publishing Group .Bhutan.at:www.berkshirepublishinggroup.9-Argyle, M (2001). The Psychology of Happiness , 2nd. Hove: Routledge.
- 4- Aysan, Ommugulsum (2021). The Welfare States & Happiness Inequalities in Europe. Journal of social policy conferences. Available at: <http://dergipark.org.tr/iusskd>. pp 71_99
- 5- Bacon, Nicola, Brophy Marcia, Mguni, Nina, Mulgan, Geoff, Shandro, Anna (2010). The State Of Happiness: Can Public Policy Shape peoples Wellbeing & resilience? , Published by The Young Foundation. Britania.
- 6- Bales, S. Happiness Matters: Measuring Happiness to Inform Government Policy. Prospect Journal of International Affairs, November 15, 2016. <https://prospectjournal.org/2016/11/15/happiness-matters-measuring-happiness-to-inform-government-policy/>
- 7- Barbu, Ioan (2017), About The Legal Nature of, The Right to Happiness. Acta Universitatis George Bacovia. Available at: <http://Jurdic.ugb.ro/>
- 8- Bergsma, Ad, Poot , Germaine, Liefbroer, Aart (2008). Happiness in The Garden of Epicurus. Journal Happiness Study. Vol.9. No.3. Pp397_423
- 9- Beveridge, W. (1942) social insurance & allied services. His majestys stationary office. London
- 10- Burchi, Francesco, Gnesi, Chiara (2013), A Review Of The Literature on well_Being in Italy: A Human Development Perspective. Università degli studi Roma tre.
- 11- Cummins, Robert. A. (2016) Happiness is the Right Metric to measure Good Societal Functioning. Business Media. New York. Vol.3.No.2. pp273_277
- 12- Dean, M. & Hindess, B. (Eds) (1998). Governing Australia: studies in contemporary rationalities of government . Cambridge University press.
- 13- Donovan, Nick, & Halpern, David (2002). Life_ Satisfaction : The State Of Knowledge & the implications for governments. London: Strategy Unit
- 14- Dorji, Namgay (2018), Sustainable Development & Happiness: Bhutan Voluntary National Review Report on the Implementation of the 2030 Agenda for sustainable Development. United Nations High Level Political Forum. Royal Government of Bhutan.
- 15- Duncan, Grant, (2008) Should Happiness-Maximization be the Goal of Government?, Journal of happiness studies. Vol.11. No. 2, pp163_178.
- 16- Duncan, G. (2013), Happiness, Sadness & Government. Health, Culture & Society. Vol.1.No.1. Pp49_66
- 17- Frijters, Paul, Clark, Andrew, Krekel, Christian, Layard, Richard (2019), A Happy Choice: Wellbeing as the Goal of Government. Institute of Labor Economics. Vol4. No.2, Pp1_34.
- 18- Ghatrei, Fatemeh (2006). Investigation of the relationship between happiness & the quality of educational factors in elementary schools of Tehran, M.A thesis, Tehran Tarbiat Moalem University, Faculty of Psychology & Educational Sciences [in Persian].
- 19- Hardberger, Amy (2005), Life, liberty & the pursuit of water: Evaluating water as a human right & the duties & obligations it creates. Northwestern Journal of international Human Rights. Vol.4. No.2 pp330_362
- 20- Hardoon, Deborah, Hey, Nancy (2020), Well_being evidence at the heart of policy. What Works Well_being . London
- 21- Helliwell , John, Huang Haifang, Wang , Shun (2020). Happiness & The Quality of Government. National Bureau of Economic Research. Working paper No26840. Pp1_26
- 22- Helliwell, John, Huang, Haifang, Wang Shun, Norton, Max, (2021), World Happiness, Trust & Deaths under COVID_19, chapter2: World Happiness Report 2021
- 23- Helliwell, John (2018). Global Happiness policy synthesis 2018. Published by group of world happiness report 2018.
- 24- Hendriks, Martijn, Burger, Martin, Ray, Julie, Esipova, Neli (2018), Do International Migrants Increase Their Happiness & That of Their Families by Migrating ? World Happiness Report 2018.
- 25- Huang , H, & Wang , S. (2018). New evidence on trust & well_being . In E.M. Uslaner (Ed). The Oxford Handbook of social & political Trust . Oxford university
- 26- Jorgensen, Oluf (2014) Access to information in the Nordic Countries . Published by Nordicom
- 27- Kahneman, Daniel, Deaton, Angus (2010), High Income Improves Evaluation Of Life but not Emotional well_being. Psychological & Cognitive Sciences. pp1_5
- 28- Khodayari Fard, Mohammad, Parand, Akram (2012), stress & the settlement methods, Tehran, Tehran University Press [in Persian].
- 29- Kymlicka, W. (2002). contemporary political philosophy. New York: oxford. University press
- 30- Layard, Richard, (2006), Happiness : Lessons from a New Science. Penguin Books. London
- 31- MacLenna, Sara, Stead, Iven, Little, Allan (2021), Wellbeing Guidance for Appraisal: Supplementary Green book Guidance. Social Impacts Task Force.
- 32- Marinica, Elena, (2017) The Right to Happiness, OR The Right to pursuit Happiness. Valahia University Law Study. Vol.xxix. No1. pp49_56
- 33- Martela, Frank, Greve, Bent, Rothstein, Bo, Saari, Juho (2020). The Nordic Exceptionalism: What Explains why the Nordic countries are constantly Among the Happiest in the world. Published in World Happiness Report 2020.
- 34- Milward, Mark, (2020), The Nordic Social Welfare Model: Lessons for reform . Deloitte insights. Available at : www.deloitte.com/insights.

- 35- Miner, M, & Rawson , H.(eds).(2006). The Oxford Dictionary Of American Questions second Edition. New York : Oxford University press.
- 36- Momeni Landi, Muslim (2019). The relationship between cultural capital &the feeling of happiness (case study of Yazd city), International Congress of Interdisciplinary Research in Islamic Humanities, pp. 1-15 [in Persian].
- 37- Penalosa, E,& Ives, S,(2002)Politics of happiness. Land&people .available at:www.yesmagazine.org
- 38- Ranaweera, Sajeeva,(2013) Promotion Of Mental Well-Being Pursuit Of Happiness.published by World Health Organization Regional Office For South_East Asia. India.
- 39- Rothstein, Bo(2010), Happiness &the welfare state. Social research.Vol.77. No.2, pp441_468.
- 40- Rouhani Esfahani, Kamran (2009). Explaining the position of the right to enjoy a decent standard of living in the international human rights system &a case study in Iran's legal system, Allameh Tabatabaie University, M.A thesis [in Persian].
- 41- Sachs, J. Happiness &Sustainable Development: Concepts &Evidence. World Happiness Report, December, 2016. <http://worldhappiness.report>
- 42- Tinkler, Lucy(2015), The Office for National Statistics Experience Of Collecting &Measuring Subjective Well_Being . Statistics in Transition New Series. Vol.16.No.3, PP373_396
- 43- Veenhoven, Ruut(2004), Happiness As An Aim In public policy, The Greatest Happiness Principle. Positive Psychology in practice. Vol.39. No.6, pp1_31
- 44- Veenhoven, Ruut(2014), long_term change of happiness in nations: To times more rise than decline since the 1970s. In Stability of happiness: Theories &evidence on whether happiness can change'. Retrieved from <http://hdl.handle.net/1765/51309>
- 45- Veenhoven, Ruut(2015), Happiness As a Priority in Public Policy. Positive Psychology in Practice : promoting Human Flourishing in Work, Health, Education, &Everyday life, 2nd Edition.pp1_31
- 46- Veenhoven, Ruut(2015)Social conditions for human happiness: a review research, International journal of psychology.Vol50. No.5, pp 1_26
- 47- Veenhoven, Ruut, (2010)Greater Happiness for a Greater Number: Is That possible &Desirable?. Journal of Happiness studies.Vol.11.No.5, pp605_629
- 48- Veenhoven, Ruut, Ehrhardt, Joop(1995), The Cross_National Pattern of Happiness : Test of Predictions Implied in Three Theories of Happiness. Social Indicators Research. Vol.34, No.1, Pp33_68
- 49- Veenhoven, Ruut,(2013)Measures of Happiness. World Database of Happiness. Erasmus University Rotterdam , Netherlands. Available at: http://worlddatabaseofhappiness.eur.nl/hap_quer/hqi_fp.php
- 50- Wilkinson, Will (2007), In Pursuit of Happiness Research: Is It Reliable? What Does It Imply for Policy? Policy Analysis. No.590. pp1_44
- 51- Yadollah Khani, Arash, Keharzare, Arash (2018). Nordic council: Fundamentals of socialist developmental regionalism based on perception &global positive image making, Iranian Journal of Social Development Studies, No. 4, pp. 79-95 [in Persian].